

می‌بایند و چون کمترین تلاشی برای شناختن فرهنگ اقوام دیگر و همچنین آثار روابط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جوامع دیگر بر جامعه خودی نمی‌کنند در بررسی‌های تاریخی و باستان‌شناسی به این نتیجه می‌رسند که تنها و فقط جامعه، قوم یا «نژادی» که بدان تعلق دارند مشعلدار تمدن جهان بوده و اقوام و جوامع دیگر در طول تاریخ کاری جز تقلید، پیروی یا دستبرد زدن نداشته‌اند و نکرده‌اند.

تاریخ‌سازی نژادی بیشتر با کوشش برای تعیین مبداء تاریخ برای يك قوم شروع می‌شود زیرا هر قدر قدمت يك قوم یا «نژاد» بیشتر باشد ادعای پیش‌کسوتی، پیش‌تازی و پایه‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آن قابل قبول‌تر و نظریه برتری نژادی موجه‌تر خواهد بود.

تاریخ‌نگاران مصلحتی، بدون توجه به این که هنوز اطلاع روشن و قابل قبول از نظر علمی درباره پیدایش و توسعه اقوام مختلف جامعه بشری در سطح کره در دست نیست، و این که پیوسته بر اثر کشفیات باستان‌شناسی به کمک وسایل علمی دقیق‌تر اطلاعات درباره همه زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و... جوامع باستانی در همه قاره‌ها دچار تغییر و تحول می‌گردد، و این که امروز دیگر نمی‌توان از فرهنگ یا «نژاد» خالص در جامعه بشری سخن گفت، زمان و مکان و حوادث معینی را با اطمینان بعنوان مبداء تاریخی يك قوم خاص (یا اقوام) معین می‌کنند. باید پذیرفت که تعیین مبداء تاریخ برای يك قوم یا گروهی از اقوام، امری فرضی و قراردادیست و با تغییر شیوه بررسی تغییر می‌کند.

بررسی بسیاری از تألیفات و تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد که در بسیاری موارد آنچه بعنوان مبداء تاریخ يك قوم خاص یا اقوام «دیگر» تعیین می‌شود، رابطه مستقیم با قومیت، مقاصد سیاسی، منافع طبقاتی و استعماری مؤلف یا محقق دارد و چه بسا مورخان مصلحتی می‌کوشند با بهم بافتن دلایل و کنار هم گذاشتن یا در پاره‌ای موارد حذف حوادث تاریخی و ارائه يك سلسله استدلال‌های قابل تردید برای قومی که خود بدان تعلق دارند یا تصور می‌کنند «هم‌نژاد» باشند مبداء

محتوی، علل پیدایش و توسعه نظریات، تئوریه‌ها و مفاهیم اجتماعی را نمی‌توان جدا و مستقل از داده‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه خاستگاه و سازمان طبقاتی آن که خود برآیند و ماحصل برخورد مجموعه عوامل داخلی همان جامعه با عوامل خارجی در دوره معین تاریخی است توضیح داد.

این نکته همچنان که در باب محتوی، علل پیدایش و توسعه فرضیه‌های نژادی بطور اعم و فرضیه‌های نژادی «آریا» و «سامی» بطور اخص صدق می‌کند در مورد چگونگی و دلایل پیدایش و توسعه فرضیه‌های نژادی «پان‌تورانیسم» و «پان‌تورکیسم» نیز صادق است.

تاریخ‌سازی برای جوامع مستعمراتی از جمله زیرکانه‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های نفوذ و سلطه فرهنگ استعماری برای وصول به اهداف اقتصادی و سیاسی در این جوامع است. بررسی علمی دگرگوئیهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر قوم و جامعه از نظر تاریخی، برای باستان‌شناسی این تحولات و فهم چگونگی روابط فرهنگی، اقتصادی و بطور کلی اجتماعی آنها با یکدیگر يك نکته است، و بکار بردن شیوه بررسی استعماری با تبلیغ نژادی، جعل تاریخ در جهت منافع طبقاتی و استعماری و کوشش برای منحصر کردن و منحصر دانستن استعداد و توانایی در پایه‌گذاری پیشرفت‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی و اصولاً تمدن جهانی به يك قوم یا «نژاد» خاص با انکار وجود، حضور و شرکت اقوام دیگر در پایه‌گذاری و رشد فرهنگ و علم و بطور کلی تمدن جهانی نکته دیگری است. شیوه‌های علمی یا استعماری برخورد با مسائل تاریخی و اجتماعی کاملاً با یکدیگر در تضاد قرار دارد.

بخشی از پژوهشگران جوامع مستعمراتی که تحت تأثیر فرهنگ استعمار سرمایه‌داری و فرضیه‌های نژادی محصول آن قرار داشته‌اند (یا دارند) بیشتر در جستجوی آثار فرهنگ جامعه خود بر فرهنگهای اقوام و جوامع دیگرند و چون تنها به قاضی می‌روند راضی و خوشحال برمی‌گردند و چون هدف تحقیق قبلاً تعیین شده برای اثبات مدعای خود دلایل و شواهد کافی نیز

نادرستی فرضیه‌های نژادی
«آریا»، «سامی» و «ترک»

بخش دوم

بررسی اصول نظریه‌های «پان‌تورانیسم» و «پان‌تورکیسم»

دکتر شاپور رواسانی

استاد کرسی اقتصاد اجتماعی
در دانشگاه الدنبرگ آلمان

تاریخ را از نظر زمان قدیم تر، از نظر مکان وسیع تر، از نظر فرهنگی والاتر، از نظر سیاسی و نظامی پر قدرت تر تعیین کنند و غرق در رؤیاهای شاعرانه، اجداد خود را از نظر جسمانی زیباترین و از نظر اخلاقی شریف ترین انسان ها بدانند و زورگویی ها و آدم کشی ها و غارت های آنان نسبت به اقوام دیگر را امری مشروع و بحق جلوه دهند. وجود چنین مسابقه ای را در بسیاری از آثار مورخان مصلحتی و جانبداران پان بازی و پان سازی نژادی «آریایی» و «سامی» و «تورانی - ترکی» می توان نشان داد.

تغییرات و تحولات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در درون جوامع استعمارگر و مهاجم اروپایی در دوران رشد و توسعه کنیالیسم و امپریالیسم سرمایه داری، زمینه و بستر اصلی تولد، رشد و توسعه فرضیه های نژادی «آریا» و «سامی» و تحولات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در درون جامعه در حال فرو ریختن عثمانی که به گونه ای فزاینده تحت نفوذ و سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محافل استعمارگر اروپایی قرار می گرفت زمینه اصلی رشد تئوری های نژادی «پان تورانیسم» و «پان تورکیسم» بود.

فرضیه های نژادی و به دنبال آن فرضیه های نژادی «آریا» و «سامی» نخست در جوامع استعمارگر اروپا متولد شد و سپس به صورت پایه و زمینه اصلی فرهنگ استعماری در جوامع شرقی تبلیغ گردید تا از طرفی نفوذ و سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم سرمایه داری بر این جوامع تثبیت شود و از طرف دیگر با ایجاد خصومت «نژادی» میان اقوام شرقی و تجزیه آنها مانع همبستگی این اقوام بر اساس تاریخ، فرهنگ و قومیت مشترک چند هزار ساله گردند. فرضیه های نژادی «پان تورانیسم» و «پان تورکیسم» نیز به دنبال فرضیه های نژادی ساخت جوامع استعمارگر اروپایی با ابتکار، پیش سازی و دخالت عوامل فرهنگی و سیاسی استعماری برای وصول به هدف هایی که بدانها اشاره شد به يك جامعه استعمارزده القا گردید.

به نظر ضیاء گوک آلپ Ziagokalp شاعر و نویسنده ترك، واژه توران نام مشترك تمام اقوام

ترك است «... لذا باید توران را به سرزمین بزرگ تركها محدود كنیم كه تمام شاخه های ترك را در برمی گیرد. اگر قبول كنیم كه تاتارها، از يكها و قرقیزها كه فرهنگ خاص خودشان را دارند يك ملت خاص را تشكيل می دهند كه تحت نام خودشان شناخته می شود، این ضرورت و نیاز پیش می آید كه تمام خویشاوندان قدیمی را مانند... يك جامعه بهم پیوند دهیم و این واژه [پیوند دهنده] توران خواهد بود... و ما می توانیم تورکیسم Turkgilik را از نظر عظمت ایدآل به سه مرحله تقسیم كنیم:

۱- ترکیه ای بودن Turkijagylyg

۲- اوغوزی بودن Oghusgylyg

۳- تورانی بودن Turangylyg «...»

این تقسیم بندی نشان می دهد كه پان تورانیسم و پان تورکیسم از نظر اجتماعی و تاریخی به هم آمیخته و مراحل مختلف يك نظریه اند به گونه ای كه توضیح یکی بدون بررسی و توضیح دیگری ممكن نیست.

الف - پان تورانیسم:

در قصیده معروف «توران» ضیاء گوک آلپ مبلغ نظریه پان تورانیسم آمده: «... سرزمین پدری برای تركها نه تركیه است و نه تركستان بلکه سرزمین پدری بزرگ و جاویدان توران است...»^۲ و در قصیده دیگری می گوید «... فرزندان اوغوزخان هرگز وطن شان را كه توران نام دارد فراموش نمی كنند.»^۳ با توجه به اشعار و مقالات گوک آلپ و دیگر نظریه پردازان و مبلغان پان تورانیسم و پان تورکیسم می توان گفت كه «توران» چه از نظر جغرافیایی و چه از نظر ترکیب قومی ساکنان آن سنگ بنای اصلی نظریات «پان» محسوب می شود.

بر خلاف آنچه تبلیغ می شود، ضیاء گوک آلپ مبتکر و پدر نظریه پان تورانیسم و پان تورکیسم نیست بلکه تنها مبلغ محلی آن می باشد. ضیاء گوک آلپ می نویسد: «... وقتی من در سال ۱۸۹۶ به استانبول رسیدم اولین کتابی كه خریدم كتاب لئون كاهون بود كه تهییج كننده و مشوق نظریه پان تورکیسم بود.»^۴ و «... بعداً من با حسین زاده علی بیگ ملاقات كردم و با نظریات

○ تاریخ سازی برای جوامع

مستعمراتی از جمله زیر کانه ترین و مؤثرترین شیوه های نفوذ و سلطه فرهنگ استعماری برای دستیابی به اهداف اقتصادی و سیاسی در آن جوامع است.

○ تاریخ‌سازی نژادی
 بیشتر با کوشش در جهت
 تعیین مبدأ تاریخ برای یک
 قوم شروع می‌شود زیرا هر
 اندازه قدمت یک قوم یا نژاد
 بیشتر باشد، ادعای
 پیش‌کسوتی، پیشتازی و
 پایه‌گذاری فرهنگی و
 اجتماعی بوسیله آن قوم یا
 نژاد پذیرفتنی‌تر خواهد
 بود.

او درباره پان تورکیسم آشنا شدم.^۵ شعر حسین زاده درباره توران «اولین نظار و بیان پان تورانیسم (در ادبیات ترک بود)»^۶ در حالی که از حدود سال ۱۸۳۲ واژه توران از طرف دانشمندان بلغاری برای نامگذاری سرزمینهای ترک آسیای مرکزی و جنوب شرقی به کار می‌رفت^۷ و از سال ۱۸۳۹ در بلغارستان تبلیغات فراوانی در باب توران به منظور اتحاد اقوام تورانی صورت می‌گرفت.^۸ آرمینیوس وامبری استاد زبان در بوداپست و جاسوس معروف انگلستان^۹ نیز در سال ۱۸۶۸، یعنی سالها پیش از شروع فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی علی‌بیک و ضیاء گوک آلپ، از نژاد تورانی در مقابل نژاد ایرانی سخن می‌گفت.^{۱۰} در سال ۱۹۱۱ (دو سال پیش از درگذشت وامبری در سال ۱۹۱۳) «... در بوداپست سازمانی به نام جامعه (سازمان) تورانی Gesellschaft Turanische که حداقل تا سال ۱۹۴۱ فعالیت داشت پایه‌گذاری شد.»^{۱۱} مبلغ دیگر پان‌تورانیسم مویس کوهن با نام مستعار تکین آلپ بود که در آثار خود از سرزمین توران بعنوان «گهواره خلق‌ها و مبداء نژاد و... سرزمین ایدآل پدری» ترک‌ها یاد می‌کرد^{۱۲} بدون آنکه بتواند دلیل و مدرک روشنی درباره اقوام تورانی و سرزمین توران و این تعلق تاریخی ارائه کند.

اما توران «این وطن اولیسه» کجا و ترکیب قومی ساکنان آن چه بوده است؟

درباره ترکیب قومی تورانیان نظریات بسیار متفاوت و متناقضی وجود دارد که هیچ یک از نظر علمی قابل اثبات نیست. به نظر ضیاء گوک آلپ: «توران... ترکیب و تجمع ترک‌ها، مغول‌ها، تونگوزها (قومی از مغول‌ها) است که به نامهای مختلف نامیده می‌شوند و فنلاندیها و مجارها که از نظر زبان‌شناسی گروه اورال - آلتایی Ural altaic شناخته شده‌اند...»^{۱۳} در حالی که به عقیده برخی از مورخان ایرانی، تورانیان و ایرانیان از یک «نژاد» اند.^{۱۴} و این امکان نیز از نظر دور نمی‌ماند که تورانیان ترکیبی از اقوام مختلف بوده‌اند: «... اقوام صحراگرد ایرانی استپ‌های شمال و شمال شرقی که ما آنها را اغلب تورانی می‌خوانیم هرگز از لحاظ نژاد یکدست نبوده بلکه گاه با عناصر

دیگر نژادها آمیزش داشته‌اند. با توجه به رویدادهای تاریخی چنین بنظر میرسد که لسان ترکی از سده‌های قبل از میلاد در میان تورانیان آریائی نژاد آشنا بوده است.»^{۱۵} در شاهنامه فردوسی حضور اقوام ترک در توران به دوران فریدون می‌رسد که مانند قومی در کنار اقوام دیگر زندگی می‌کرده‌اند. تور فرزند فریدون به فرمان پدرش شاه «ترکان و چینیان» شد و سرزمینی که تور شاه آن شد توران نام گرفت. در شاهنامه از افراسیاب (فرزند پشنگ شاه توران) که نوه تور بود و به خونخواهی پدر بزرگش (تور) که به دست منوچهر نوه ایرج (فرزند فریدون) کشته شده بود به جنگ با ایرانیان پرداخت، بعنوان پهلوان و سردار لشکر توران (تورانیان) به تفصیل سخن گفته شده است. با توجه به این که تور مانند سلم و ایرج فرزند فریدون شاه بوده نسبت خویشاوندی نوه‌اش افراسیاب نیز به همین خاندان سلطنتی (ایرانی) فریدون می‌رسد. درباره ترکیب قومی لشکر تورانیان (افراسیاب) هیچ اطلاعی در دست نیست اما به نظر می‌رسد که ترکان و ایرانیان در آن شرکت داشته‌اند. اگر قبول کنیم تور که شاه (ترکان و چینیان) شده بود با قشون و همراهان خود بدان دیار رفته، می‌توان پذیرفت که ترکان و چینیان قبل از آمدن تور در آنجا سکونت داشته‌اند و می‌توان احتمال داد که تورانیان از اقوام متعددی تشکیل می‌شده‌اند که حداقل ترکان، چینیان و بخشی از ایرانیان در آن بوده‌اند. بدین ترتیب، واژه توران نمی‌تواند نام مشترک فقط اقوام ترک باشد زیرا حداقل افراسیاب که عضوی از خاندان سلطنتی فریدون ایرانی محسوب می‌شود «تورانی» بوده است. ایرانی دانستن همه تورانیان نیز کنار گذاشتن ترکان و چینیان و انکار اطلاعی است که شاهنامه به ما می‌دهد.

در بسیاری از موارد ترکیب قومی «تورانیان» بر حسب مصلحت سیاسی روز تغییر کرده است: «در دوره جنگ جهانی دوم، به نظر آلوآس فون‌پای کرت Alois Von Paikret که از پایه‌گذاران اصلی سازمان تورانی به شمار میرفت اقوام تورانی شامل: مجارها، فنلاندیها، بلغارها، ترک‌ها، بخش بزرگی از ساکنان قفقاز، ترک‌های

تاتار، بخش عمده‌ای از اقوام ساکن سیبری، تبتی‌ها، ساکنان هیمالیا، تامیل‌ها، مانجوها، چینی‌ها، کره‌ای‌ها، ژاپنی‌ها... جمعاً به ۶۱۰ میلیون نفر می‌رسیدند.^{۱۶} چنان که اشاره شد، درباره ترکیب قومی تورانیان نظریات بسیار متفاوت و متناقض ارائه می‌گردد. به نظر عده‌ای «توران و تورانی از نظر علمی يك نامگذاری زبان‌شناسی است و نه نامگذاری جغرافیایی یا قومی.»^{۱۷} و «... مانند مفهوم آریا، واژه توران در زبان‌شناسی برای نامگذاری گروه‌های اورال-آلتایی به کار می‌رود.»^{۱۸} ماکس مولر زبانهای اورال-آلتایی را تورانی نام نهاد.^{۱۹} (توران واژه‌ای فارسی است).

محل توران

همچون بررسیها در مورد محل جغرافیایی «ایرانویج» بعنوان موطن اولیة «آریاییان»، و موطن اولیة «سامیان»، در مورد محل جغرافیایی توران نیز اختلاف نظر بسیار وجود دارد. نقاطی که معرفی می‌گردد بیشتر به تعلق وطنی و ملی و نظریات سیاسی پژوهشگران مربوط می‌شود تا به دلایل علمی؛ و تا زمانی که درباره ترکیب قومی تورانیان نظریات مختلف وجود داشته باشد ناگزیر در مورد محل جغرافیایی «موطن اولیة» نیز اختلاف نظر خواهد بود. اما حتی اگر وجود قوم معینی به نام تورانی و سرزمین مشخصی به نام توران را بپذیریم باز این پرسش بدون پاسخ می‌ماند که این قوم یا اقوام از کجا به سرزمین توران آمده‌اند. یا باید ثابت کرد که محل جغرافیایی توران اقامتگاه اولیة حضرت آدم و حوا بوده، یا چنان که فرضیه‌های مربوط به علوم طبیعی مطرح می‌کنند تکامل در آن محل صورت گرفته است. با توجه به عدم امکان اثبات هر يك از دو نظر فوق، می‌توان گفت که اصولاً بحث درباره «موطن اولیة» هر قومی که مطرح باشد، و در این نوشته «تورانیان»، بحث بی‌حاصلی است. در مورد محل توران نیز، مانند ترکیب قومی تورانیان، عمدتاً به زبان‌شناسی مراجعه می‌شود. بسیاری از مورخان محل جغرافیایی توران را «ماورالنهر بر آنطرف آب آموی و خوارزم تا دریاچه آرال، تادشتهای روسیه و ناحیت ترك و خزر و چین و ماچین و تبت و شرق...»

پنداشته‌اند.^{۲۰} با توجه به متن شاهنامه، توران محل سکونت ترکان و چینیان را در بر می‌گرفته و بوسیله رود جیحون از سرزمین ایران جدا می‌شده است.^{۲۱} در این صورت چین یا بخشی از کشور چین جزئی از توران خواهد بود. پژوهشگرانی نیز هستند که توران باستانی را منطقه‌ای در آسیای میانه اما «موطن اولیة آریاییان» می‌دانند.^{۲۲} به نظر مورخان دیگر «... محل توران آسیای مرکزیت در منطقه کوههای اورال-آلتایی... و یا از دریای خزر تا فلات ایران تا سرچشمه رودخانه سیر دریا و از رودخانه ایرتیش Irtisch تا فلات آکمولینسک-Ak molinsk»^{۲۳} در «اوستا نام کشور توران است... از وجه تسمیه تور و تورانی در عصر اوستا بدرستی آگاهی نداریم... یادکردهایی که در اوستا به توران و تورانیان شده کم نیست. یکی از صریح‌ترین این اشارات در یشت پنجم وجود دارد. در یشت هشتم نیز جائیکه از داستان ارخس Ereksa (=آرش) تیرانداز معروف ایرانی یاد شده درباره مرز ایران و توران می‌توان استنتاج کرد...»^{۲۴}

در بررسیهای دیگری محل توران در سیبری کشف می‌شود: «ناحیه‌ای به نام مینوسینسک Minoussinsk (شهری واقع در سیبری در محل التقای شط ینی سئی و رودخانه مینوسینسک) یکی از مناطق باستانی است که آثار مکشوفه آن سیر تمدن بعضی اقوام و ملل مانند سیت‌ها و سارمات‌ها را که ایرانی‌الاصل بوده‌اند بر ما معلوم می‌دارد. پاره‌ای از این اقوام در منظومه‌های حماسی ایرانی بنام تورانیان معروف‌اند... سرزمین توران در این دوران (تقریباً قرن ۶-۵ میلادی) دقیقاً در محلی نزدیک مینوسینسک و پازریک قرار دارد که زمانی پایگاه سیت‌ها (تورانیان) بوده است...»^{۲۵} و نظر دیگر این که «... نام توران اغلب به منطقه‌ای داده شده که تاتار نامیده می‌شود. هیچ جا در میان ترکهای آسیایی نام توران پیش نمی‌آید اما به اندازه کافی در میان قبایل ترك که تاتارهای سیبری نامیده می‌شوند به گوش می‌خورد.»^{۲۶}

چه درباره ترکیب قومی تورانیان و چه درباره محل زندگی و سرزمین تورانیان اطلاعاتی که

○ فرضیه‌های نژادی «آریا» و «سامی» نخست در جوامع استعمارگر اروپا متولد شد و سپس به صورت پایه و زمینه اصلی فرهنگ استعماری در جوامع شرقی تبلیغ گردید.

○ تحولات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در درون جامعه در حال فرو ریختن عثمانی که به گونه‌ای فزاینده تحت نفوذ و سلطه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محافل استعمارگر اروپایی قرار می‌گرفت، زمینه اصلی گسترش نظریه‌های نژادی «پان‌تورانیسم» و «پان‌تورکیسم» بود.

ارائه می‌گردد کاملاً در هم و متفاوت است. به کمک زبان‌شناسی هم مسئله حل نشده و نخواهد شد چون مفاهیم زبان‌شناسی را (چنان‌که در مورد آریاها و سامی‌ها نیز گفته شد) نمی‌توان به قوم‌شناسی تعمیم داد. زیرا «... عالم علم درباره زبان گذشته مردم آسیای میانه تا آستانه هزاره سوم و دوم قبل از میلاد هیچ اطلاع مثبتی در دست ندارد.»^{۲۷}

با توجه به آنچه درباره ترکیب قومی و محل جغرافیایی توران آمد می‌توان گفت که واژه توران برخلاف نظر ضیاء گوک آلپ و دیگر جانبداران نظریه پان‌تورانیسم نمی‌تواند نام مشترک فقط «اقوام ترک» باشد بلکه در این مورد با ترکیب اقوام مختلف سروکار داریم و هر یک از این اقوام می‌تواند خود را تورانی بداند و بخواند. «... ممکن است ترک‌های تورانی عقیده داشته باشند که بقایای نژاد قدیمی ترک هستند که در طول زمان تحولات فراوانی را در آسیای مرکزی گذرانده و در دوره‌های اولیه هینگ نو - Hiung Nu نامیده می‌شدند، اما این اقوام در طول زمان بر اثر جنگها، مهاجرت‌ها و اختلاط‌های قومی و فرهنگی که طی قرن‌ها در این منطقه از دنیا فراوان رخ داده با سایر اقوام مخلوط شده‌اند.»^{۲۸}

ب - در مورد فرضیه‌های مربوط به پان‌تورکیسم نیز مانند بررسیها در مورد اقوام «آریا» و «سامی» با بررسیهای تاریخی و کشفیات مورخان مصلحتی و زبان‌شناسان سر و کار داریم. در این خصوص نیز افسانه‌ها و خیالپردازی‌های شاعرانه که در پاره‌ای موارد به آنها جنبه دینی نیز داده می‌شود ارائه می‌گردد.

گفته می‌شود: «... یافت پسر حضرت نوح هشت پسر داشت که برادر بزرگتر ترک نامیده می‌شد و بر برادران دیگر ریاست داشت و در نزدیکی رودخانه ایزیک کول Issik-kol در محلی بنام سه لن کی Selenkej زندگی می‌کرد. ترک دو پسر به نام‌های توئک Tuek و هاکال Hakal داشت. . . . توئک دارای فرزندان دو قلو به نام‌های تاتار و مغول شد. ترک‌های اصلی و واقعی از نسل مغول‌اند نه تاتار»^{۲۹} و «... کارا Kara پسر بزرگ مغول بود. یکی از فرزندان او به نام اوغوزخان مسلمانی متعصب بود که در تاریخ ترک اولین

بر قدرت‌ترین شاهزاده ترک معرفی می‌شود. اوغوزخان شش پسر داشت که هر یک را چهار پسر بود و چنان‌که در افسانه آمده در دوران او مردم تحت فرمانش به خود نام ترکمن Turkman یعنی ترک‌ها Turkentum دادند.»^{۳۰} بر طبق منابع دیگر، اوغوزخان پسر کاراخان پسر بزرگ دیک بوکوی Dik - Bukui پسر بزرگ معروف آبلوچی خان که بطور مستقیم از فرزندان نوح بود منشاء ترکان است.^{۳۱} اگر آنچه را در این افسانه‌ها آمده‌اند بپذیریم، برادری یافت با حام و سام و لذا خویشاوندی فرزندان و اعقاب آنان با یکدیگر و اگر پیرو فرضیه‌های نژادی باشیم «هم‌نژادی» اقوام منتسب به این سه برادر را پذیرفته‌ایم.

افسانه دیگری که درباره منشاء اولیه قوم یا اقوام ترک شهرت دارد افسانه گرگ خاکستری است. بر پایه این افسانه که در منابع چینی قرن ششم میلادی ذکر شده: «توکوه T'u' - Kue طایفه‌ای از هیونگ نو (هون‌ها) هستند و نام خانوادگی آنان آشینا A-schina است. آنها (هیونگ نوها) گروه خاصی را تشکیل می‌دادند که از یک کشور همسایه شکست خوردند. تمام وابستگان این قوم جز یک پسر ده ساله از میان رفتند. سربازان دشمن... او را نکشتند اما باهایش را بریده و او را به داخل باتلاقی که از علف پوشیده شده بود انداختند. در آنجا ماده گرگی به سر می‌برد که پسر بچه را با گوشت تغذیه کرد. بدین ترتیب پسر بچه بزرگ شد و با ماده گرگ آمیزش نمود و گرگ آبستن شد. اما وقتی شاه (کشور مجاور) مطلع شد که این پسر بچه هنوز زنده است مجدداً کسانی را فرستاد که این جوان را بکشند. فرستادگان گرگ ماده‌ای را نزد این جوان دیدند و خواستند گرگ را هم بکشند اما گرگ ماده به کوهی در شمال کشور کاو - چه‌آنگ Kao-tschang (تورفان Turfan) فرار کرد. در این کوه غاری بود که در آنجا دشتی... با چند صد مایل وسعت که دورادورش را کوهها حلقه‌وار فرا گرفته بودند قرار داشت. گرگ ماده خود را در این کوهها پنهان نمود و پس از مدتی ده فرزند پسر زائید. وقتی این پسر بچه‌ها بزرگ شدند با زنانی از سرزمین‌های دیگر، ازدواج کردند که فرزندان زاییدند. هر یک از

○ برخلاف آنچه تبلیغ می‌شود، ضیاء گوک آلپ مبتکر و پدر نظریه پان‌تورانیسم و پان‌تورکیسم نیست بلکه فقط مبلغ محلی آن می‌باشد.

روایت دیگر بورا (Bura) بوده که به معنای گرگ خاکستری است. این زن پسر بچه‌ای را که تنها مانده بود یافت و تربیت کرد و این پسر بچه، پدر اولیه قبیله ترک (یا به نظر مغول‌ها پدر اولیه قبایل مغول) شد.^{۳۳} به نظر می‌رسد عدم توجه به این نکته که «گرگ خاکستری» می‌توانسته نام یک انسان هم باشد موجب بروز سوء تفاهمی شده که هنوز ادامه دارد. به نظر پاره‌ای از مورخان، افسانه گرگ خاکستری اصولاً منشاء اروپایی دارد (اشاره به افسانه مربوط به ایجاد شهر رم در ایتالیا و دو پسر بچه به نامهای رموس Remus و رمولوس Romulus که از شیر گرگ تغذیه می‌شدند) و بوسیله هون‌ها به فرهنگ و افسانه‌های آسیایی منتقل شده است.^{۳۴}

درباره تو - کوئه نظریات دیگری نیز ابراز شده است: «... از میان قبایل ترک ساکن شمال چین ۵۰۰ خانواده یا قبیله آشینا را می‌توان نام برد که از امتزاج قبایل گوناگون پدید آمده‌اند... چینیان اتباع خان‌های آشینا را به این نام نمی‌خواندند بلکه آنان را تو - کیو می‌گفتند... چینیان در زبان خود مخرج (ر) ندارند... این نام بعدها... به صورت تورکیوت خوانده شد که در واقع تلفظ درست واژه تو - کیو است که با مخرج (ر) همراه شده و به صوت تورکیو در آمده است. واژه تورک به معنای نیرومند و استوار است... واژه آشینا را برخی به معنای گرگ دانسته‌اند. گرگ در زبان ترکی باستانی «بوری» و «کاسگیر» است ولی در زبان مغولی گرگ را شینو می‌نامند. پیشوند «آ» که پیش از شینو آمده است در زبان چینی نشانه احترام است. بدین روال واژه «آشینو» یا «آشینا» به معنای گرگ محترم و نجیب است... نکته مسلم این است که در سده ششم میلادی نام گرگ در میان ترکان از اهمیت و احترام فراوانی برخوردار بوده است (مانند شیر در افسانه‌ها و داستانهای ایرانی - ش - ر). بنابر این افسانه تورکیوت‌ها، ترکان از دودمان هون‌های غربی هستند که با نسل گرگ در آمیخته‌اند. باید یادآور شویم که هون‌های غربی به سال ۴۶۹ میلادی تار و مار شدند اما ۷۷ سال بعد به سال ۵۴۵ میلادی مردمی در این سرزمین پدید آمدند که خود را (تورکیوت) می‌نامیدند. از اینجا می‌توان به روشنی

اعقاب آنان نام خانوادگی (معینی) بر خود گذاشت. یکی از این خانواده‌ها خود را آشینا نامید. فرزندان آنان و فرزندان فرزندانشان افزایش یافتند تا این که چند صد خانواده شدند. بعد از چند نسل همه با هم از غار خارج شدند و به یو - یوها Ju-Ju خدمت می‌کردند (یو - یوها همان قوم یو - یوان Jou - JAN هستند که در برخی منابع یوان - یوان Juan-Juan یا یوئی - یوئی Jui - Jui نیز نامیده می‌شوند). آنها در دامنه جنوبی کین - شان (آلتائی) بعنوان آهنگر برای یو - یوها کار می‌کردند. از آنجا که کین - شان مانند کلاه خود به نظر می‌رسید (دره‌های اطراف شبیه کلاه خود بود) و آنها به کلاه خود تو - کوئه می‌گفتند خود را نیز تو کوئه نام دادند... و به روایت دیگر از منابع چینی: اجداد تو - کوئه (جمع کلمه ترک) از کشور سو که در شمال هیونگ‌نو قرار داشت آمده‌اند. فرمانروای طایفه آنان آپانگ پو A-Pang-Pu هفده برادر داشت که یکی از آنان ای‌چی‌نی‌شی تو I-Tschi-Ni-Schi-Tu نام داشت و از ماده گرگ متولد شده بود. آپانگ پو و برادرانش بطور طبیعی عقب مانده بودند بدین جهت کشورشان از جانب دیگران نابود شد اما چون ای‌چی‌نی‌شی تو را یک روح (شیخ) لمس کرده بود او این توانایی را داشت که باد و باران را احضار کند. او با دوزن ازدواج کرد. گفته می‌شود که یکی دختر خدای تابستان و دیگری دختر خدای زمستان بوده است. یکی از آنان چهار فرزند پسر آورد. یکی از پسران به یک قوی سفید تبدیل شد و دیگری کشوری میان رودخانه آفو Afu و کین Kien تأسیس نمود، سومی بر رود چوچوئه فرمانروایی می‌کرد و برادر چهارم در کوه تسین سه چو چوچی سکونت داشت؛ او برادر بزرگتر بود. در این کوه گروه‌های دیگری از طایفه آپانگ پو زندگی می‌کردند اما در آنجا سرمای شدیدی حکمفرما بود. برادر بزرگتر برای آنان آتش تهیه نمود تا خود را گرم کنند و زنده بمانند. بدین ترتیب آنان نجات یافتند و برادر بزرگتر را بعنوان حاکم خودشان انتخاب کردند و او را تو - کوئه نامیدند.^{۳۲}

در پاره‌ای از منابع دیگر گفته می‌شود که گرگ خاکستری زنی به نام زنا (Zena) و به

○ در بسیاری موارد، بر حسب مصلحت سیاسی روز، ترکیبات قومی متفاوتی برای «تورانیان» ذکر شده است. در دوره جنگ جهانی دوم، آلواس فون پای کورت تورانیان را شامل مجارها، فنلاندیها، بلغارها، ترکها، بخش بزرگی از ساکنان قفقاز، ترکهای تاتار، بخش بزرگی از اقوام ساکن سیبری، تبتیها، اهالی هیمالیا، تاملها، مانجوها، چینیها، کره‌ایها، ژاپنیها و... اعلام می‌کرد.

دریافت که ترکان نه از امتزاج گرگ و انسان بلکه از اختلاط اقوام و قبیله‌ها پدید آمده‌اند... از پژوهش‌های دانشمندان معلوم شده است فراریانی که منشاء آنان از قبیله هون‌ها بود و به زبان ترکی سخن می‌گفتند در جنوب رشته کوههای آلتای سکنی گرفتند. اینان با گروههایی از قبایل آشینا درهم آمیختند و تورک یا تورکیوت نامیده شدند.^{۳۵}

پایگاه و محتوای نظری، سیاسی و تاریخی پان‌تورکیسم آثار شرق‌شناسان اروپای قرن هیجدهم و نوزدهم بود.^{۳۶} با توجه به فهرست کتب سیاسی، فلسفی و تاریخی که از آثار نویسندگان اروپای غربی ترجمه شده و در عثمانی انتشار یافته^{۳۷} و همچنین فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی سازمان یافته می‌توان به خوبی نشان داد که روشنفکران ترک سخت تحت تأثیر فرهنگ استعماری و القانات سیاسی و نژادی و جهت‌دار محافل سیاسی کشورهای سرمایه‌داری استعماری قرار گرفته‌اند. از مهمترین این آثار می‌توان کتاب «تاریخ عمومی هون‌ها، ترک‌ها، مغول‌ها و دیگر تاتاران غربی» اثر ژوزف دوگوئین به J.De.Guigne را نام برد. به طوری که ضیاء گوک آلپ می‌نویسد: «... نوشته دوگوئین به در اواخر سلطنت سلطان عبدالعزیز و اوایل سلطنت سلطان عبدالحمید در استانبول مورد توجه عمیق روشنفکران قرار گرفت... یک انجمن علمی در سال ۱۸۵۱، یک دارالفنون در سال ۱۸۶۳، و یک مدرسه نظامی که با این روح جدید پالایش یافته بود تشکیل شد و به سازمان دادن و تبلیغ پرداخت... در این دارالفنون سلیمان حسین پاشا (۱۸۹۳ - ۱۸۳۸) تدریس می‌کرد. سلیمان پاشا نخستین پایه‌گذار پان‌تورکیسم است. کتاب تاریخ دوگوئین به بطور مشخص تورکیسم سلیمان پاشا را تحت تأثیر قرار داد و او بر اساس منابع این کتاب تاریخ ترکیه را نوشت.»^{۳۸} و ادامه می‌دهد: «... این سلیمان پاشا بود که به ما یاد داد که هون‌ها، در تاریخ هیونگ نو Hiungnu در تاریخ چین، اولین اجداد ترک‌ها هستند و اوغوزخان باید همان مه‌ته Mete پایه‌گذار دولت هیونگ نو باشد.»^{۳۹} دوگوئین به در

تاریخ بسیار مفصل خود درباره هون‌ها، ترک‌ها و مغول‌ها سعی در اثبات این نکته دارد که: «... ترک‌ها که سرزمین تاتارها را تصرف کرده‌اند بدون واسطه از اعقاب هون‌های قدیمی بوده‌اند...»^{۴۰} و «... منشاء اولیه مغول‌ها ترک‌های قدیمی بوده‌اند...»^{۴۱} بدین ترتیب، خویشاوندی تاریخی هون‌ها، ترک‌ها و مغول‌ها همچون یک حقیقت تاریخی به روشنفکران ترک عرضه گردید و چنان که اشاره شد بعنوان پایگاه نظری و تاریخی در تألیفات و نظریات سلیمان پاشا، ضیاء گوک آلپ و دیگر نظریه‌پردازان پان‌تورکیسم به کار رفت.

هون‌ها اقوامی بودند که در توندراهای شمال اورال مسکن داشتند و در قرن پنجم میلادی از طریق ولگا به شرق اروپا هجوم بردند. آتیل شاه هون‌ها بود.

درباره ترکیب قومی هون‌ها نظریات متفاوتی وجود دارد و گفته می‌شود که: «هون‌ها اسمی است که بیزانس به این گروه از اقوام داده است. اینها (این اقوام) چه نامی به خود می‌دادند، نمی‌دانیم.»^{۴۲} اثر دیگر در این باره (پان‌تورکیسم) کتاب قواعد زبان ترکی تألیف لولملی داوینز Lumley - Davids (لندن - ۱۸۳۲) است. این اثر نه فقط بدین جهت که در آن به قواعد زبان ترکی نظم و ترتیبی داده شده بود اهمیت یافت بلکه بعنوان یک اثر مهم تاریخی مورد توجه روشنفکران ترک قرار گرفت زیرا در مقدمه آن، تاریخ اقوام ترک، زبان و گویش‌های ترکی از زمانی که بدانها سخن گفته شده بود همراه با احترام و تحسین فراوان درباره نقش ترک‌ها در تمدن جهانی مورد بررسی قرار گرفته بود.^{۴۳} از نظر سیاسی می‌توان آرمینیوس (هرمان) وامبری زبان‌شناس، استاد دانشگاه بوداپست و جاسوس برجسته و معروف انگلستان را پایه‌گذار پان‌تورکیسم دانست. هرمان وامبری، که همان آرمینیوس وامبری است، در سال ۱۸۷۳ درباره وحدت اقوام ترک چنین اظهار نظر کرد: «برای سلطنت بر ترکیه، خاندان عثمانی در قیاس با خاندان بزرگ رومانف (خانواده سلطنتی روسیه ش.ر) که توانسته عناصر متفاوت را با زور و حيله بهم ربط دهد می‌توانست از عناصر ترک که

با زبان، مذهب و تاریخ مشترک از سواحل آدریا (دریای آدریاتیک ش-ر) تا دور دست‌های چین (سکونت دارند) امپراتوری قوی تری بنیان بگذارد. آناتولی‌ها، آذربایجانی‌ها، ترکمن‌ها، اوزبک‌ها، قرغیزها و تاتارها عناصری مجزاً هستند که می‌شد از آنها يك غول نیرومند ترك به وجود آید که بهتر بتواند خود را با خصم شمالی مقایسه کند (رقابت کند) تا ترکیه امروزی.^{۴۴}

آرمینیوس و امبری که در خدمت استعمار انگلستان بود: «... در مدت اقامتش در استانبول کوشش می‌کرد توجه روشنفران ترك را به خویشاوندی نژادی و فرهنگی‌شان با ترك‌های آسیای مرکزی جلب کند.»^{۴۵} و امبری «... با بسیاری از ترك‌ها تماس و با سلطان عبدالحمید شخصاً دوستی داشت... او از رابطه قومی و زبانی میان ترك‌ها و مغول‌ها سخن می‌گفت و نظریاتی را که بوسیله دانشمندان بلغاری تکامل یافته بودند ارائه می‌داد. آنها ترك‌ها، فنلاندها، بلغاریها و استونی‌ها و دیگر اقوام را در گروه تورانی قرار می‌دادند.»^{۴۶} و امبری که می‌کوشید در رقابت استعماری روسیه و انگلستان در آسیا دشمن نیرومندی در برابر روسیه به وجود آورد، سخت پان‌تورکیسم را تبلیغ می‌کرد و بر مسئله خویشاوندی ترك‌ها و مغول‌ها تکیه می‌نمود و معتقد بود که ترك‌های اصلی از نسل مغول‌ها هستند نه تاتار، و نظر می‌داد که اقوام ترك در هجوم هون‌ها به اروپای شرقی شرکت داشته‌اند.^{۴۷}

یکی از نتایج خویشاوند شمردن ترك‌ها و هون‌ها این شد که آتیلا و چنگیز از جانب پان‌تورانیست‌ها و پان‌تورکیست‌ها به عنوان قهرمانان بزرگ تاریخ ترك مورد تکریم و تجلیل قرار گرفتند. ضیاء گوک آلپ در اشعار خود می‌گوید: «... آتیلا من، چنگیز من، این قهرمانان که شهرت بزرگ نژاد مرا می‌سازند دچار تهمت و افترا شده‌اند در حالی که کمتر از اسکندر و سزار نبوده‌اند.»^{۴۸} نکته‌ای که مورد توجه گوک آلپ و بسیاری از پان‌سازها و پان‌بازها در همه اقوام و ملل قرار نگرفته و نمی‌گیرد این است که چه آتیلا، چه چنگیز و چه سزار و اسکندر و همتایانشان از سایر اقوام و ملل، از نظر تاریخ و

تمدن بشری در سطح بسیار نازلی قرار دارند زیرا تجاوز، خونریزی و کشتار و غارت از طرف هر کس و رهبر و پیشوای هر قوم و نمایندگان هر ملت و طبقه‌ای صورت گیرد کاری غیرانسانی و غیراخلاقی است و تجاوز به حیات انسانها، بدون توجه به قومیت متجاوز و متجاوزان چه در گذشته‌های دور یا نزدیک و چه در زمان حاضر انجام گرفته باشد محکوم و مردود است. نه فقط تجاوز و ظلم و غارت بلکه باید متجاوز، ظالم و غارتگر را در همه اشکال آن محکوم دانست و رد کرد نه اینکه متجاوز خودی را «فاتح» شمرد و به او افتخار کرد اما متجاوز بیگانه را «وحشی و غارتگر» دانست و به او لعنت فرستاد.

درباره نژاد ترك‌ها نظریات دیگری نیز ابراز شده است: «جلال‌الدین پاشا این نظر را که ترك‌ها با هون‌ها و مغول‌ها از يك نژاد هستند رد می‌کرد و جانبدار این نظر بود که ترك‌ها و اروپایی‌ها به يك نژاد تعلق دارند - تور - آریا (Turo - Aria)»^{۴۹} (اثرات سیاسی و اجتماعی این نظر تا به امروز هم می‌رسد و بخشی از طبقات متوسط و ثروتمند ترکیه خود را اروپایی می‌دانند). درباره خویشاوندی قومی ترك‌ها با سایر اقوام نیز اظهار نظر شده که: «ترك‌ها از نسل هیتی‌ها هستند و بدین جهت ترك‌ها موجد بزرگترین فرهنگ تاریخ شده‌اند.»^{۵۰} و درباره مقام فرهنگی ترك‌ها گفته شده که: «ممکن است ترك‌ها خط را به آشوری‌ها یاد داده باشند.»^{۵۱} و «... زبان سومری‌ها بوجود آورنده فرهنگ بابل، با ترك خویشاوند است.»^{۵۲} نظیر چنین سخنانی را در میان جانبداران فرضیه‌های نژادی «آریا» و «سامی» نیز می‌توان یافت. ناسیونالیست‌های نژادی و پان‌سازهای همه اقوام و ملل می‌کوشند منحصرأ و تنها، قوم و ملتی را که بدان تعلق دارند پایه‌گذار و مشعلدار فرهنگ جهان معرفی کنند و برای وصول به هدفهای طبقاتی و سیاسی با سهل‌انگاری و بزرگواری يك جانبه به بررسی مسائل تاریخی می‌پردازند.

درباره اقوام آخایی (هی‌تیت‌ها) که از هزاره سوم در شرق آسیای صغیر اقامت داشته‌اند می‌توان نشان داد که: «... ختی‌یان ملت واحدی نبودند بلکه مجموعه‌ای از ساکنان اولیه آسیای

○ به نظر پاره‌ای از مورخان، افسانه گرگ خاکستری منشاء اروپایی دارد (افسانه مربوط به ایجاد شهر رم و دو پسر بچه که از شیر گرگ تغذیه می‌شدند) و بوسیله هون‌ها به فرهنگ و افسانه‌های آسیایی منتقل شده است.

○ ریشه و پایگاه نظری،
سیاسی و تاریخی
پان‌تورکیسم، آثار
شرق‌شناسان اروپای قرن
هیجدهم و نوزدهم است.

صغیر و مهاجرین بودند... در کشور آخایی علاوه بر زبان ختی‌یان هشت زبان مختلف دیگر نیز رایج بود که این امر نشانه وجود و نفوذ اقوام و فرهنگ‌های مختلف در این منطقه است.^{۵۳} هی‌تیت‌ها قوم واحدی نبودند تا قوم واحدی نیز از آنان منشعب گردد. چه در ترکیب قومی و چه در ترکیب فرهنگی هی‌تیت‌ها تعداد زیادی از اقوام شرقی (از جمله اقوامی که بدانها آریا گفته می‌شود) شرکت داشته‌اند و بدین لحاظ نمی‌توان پیشرفت‌های فرهنگی در کشور آخایی را به حساب قوم خاصی گذاشت. و اما درباره سومر: «سومر نامی فرضی است که اوپرت به مناسبت اینکه زبان مردم این ناحیه (جنوب بین‌النهرین) دارای لغات غیر سامی بود به ساکنان این منطقه داد. نام فرضی سومر دارای ریشه و محتوای تاریخی، قومی و فرهنگی نیست و تنها لفظی قراردادیست و چیزی به نام کشور و ملت سومر وجود نداشته است.»^{۵۴} مردمی که در جنوب بین‌النهرین زندگی می‌کردند چه از نظر قومی و چه از نظر فرهنگی ترکیبی از اقوام مختلف شرق بوده‌اند، اعم از ساکنان اولیه و مهاجرین از نواحی مختلف (درباره منشاء این مهاجران نظریات بسیار متفاوت و متضادی ارائه می‌گردد). «در زبان سومری علاماتی وجود دارد که می‌تواند دلیل رابطه آنان با شرق، اقوام هندی موهنجودارو، مغول یا آفریقایی (بانتو) یا اقوام ایلامی (حلتمتی) باشد.»^{۵۵} در این مورد هم با ترکیب قومی و فرهنگی اقوام شرق در جنوب بین‌النهرین سروکار داریم. خط آشوری نیز چنان که اسناد تاریخی ثابت می‌کند مرحله‌ای از تکامل خط در جامعه بزرگ شرق بوده^{۵۶} که در آن اقوام مختلف و متعدد سهم داشته‌اند. این که قوم خاصی خطی را به قوم دیگر یاد داده باشد فاقد مبنای علمی و تاریخی است.

فرضیه‌های پان‌تورکیسم و پان‌تورانیسم گرچه در طول زمان از حیث محتوای نظری و تاریخی دستخوش تغییرات فراوان گردید اما جنبش سیاسی «پان» که آغاز شده بود ادامه یافت. روشنفکران ترکیه (عثمانی) در دوره عبدالحمید سخت تحت تأثیر مطالب کتاب لئون کاهون Leon Cahun (۱۸۴۱-۱۹۰۰)

نویسنده فرانسوی قرار گرفتند. کاهون با سازمان ترک‌های جوان تماس داشت.^{۵۷} «به نظر کاهون ترک‌ها رابط میان تمدن چینی‌ها و ایرانی‌ها بودند... کاهون با یک سبک بسیار شاعرانه که بر خواننده ترک اثر می‌گذاشت از آینده‌ای بسیار مثبت برای ترک‌ها و فعالیت‌های فرهنگی آنان سخن می‌گفت.»^{۵۸} در آثار ضیاء بیک که (بعداً ضیاء پاشا شد) و نام ادبی گوک‌آلپ را در آثار خود به کار می‌برد می‌توان تحول و ادامه فرضیه‌های پان‌تورکیسم و پان‌تورانیسم را نشان داد. او می‌نویسد: «از وقتی پانزده ساله بودم... کتاب تاریخ سلیمان پاشا در من گرایش به ناسیونالیسم ترک را رشد داد. وقتی در سال ۱۳۱۲ (۱۸۹۶) به استانبول آمدم اولین کتابی که خریدم کتاب لئون کاهون بود... به نظر می‌رسد این کتاب برای آن نوشته شده بود که به ایدآل پان‌تورکیسم حرکتی شدید بدهد.»^{۵۹} با مقایسه نظریات گوک‌آلپ با اصول نظریات کاهون و این که: «تاریخ داستان‌وار ترکیه که بوسیله کاهون نوشته شده بود بر ضیاء گوک‌آلپ اثر فوق‌العاده‌ای داشت»^{۶۰} می‌توان اثرات کتاب کاهون را از نظر فرهنگی و سیاسی دنباله نفوذ فرهنگی و سیاسی کتاب دوگوین‌یه‌روی ضیاء گوک‌آلپ و دیگر نظریه‌پردازان پان در ترکیه دانست.

با توجه به تفاوت‌های جسمانی کاملاً آشکار میان ساکنان ترکیه و اقوام ساکن در آسیای مرکزی و سیبری، فرضیه‌های نژادی که بر تفاوت‌های جسمانی انسانها تکیه کرده و بر این اساس میان گروه‌های انسانی نژادهای «والا و پست» را تعیین می‌کند نمی‌توانست پایه و اساس نظریه پان‌تورکیسم و تجمع اقوام مختلف در یک واحد سیاسی و اجتماعی باقی بماند و نیاز به شیوه استدلال جدیدتری برای مشروعیت بخشیدن به فرضیه پان‌تورکیسم کاملاً محسوس بود. ضیاء گوک‌آلپ، ناسیونالیسم (پان‌سازی) بر اساس نژادی و خونی را با صراحت رد می‌کرد و ملت را چنین تعریف می‌نمود: «ملت چیست؟ چه پیوندی که ما داریم می‌تواند بر پیوند نژادی، قومی، جغرافیایی، سیاسی برتری داشته باشد؟ جامعه‌شناسی تعیین می‌کند که این پیوند وحدت در تربیت و فرهنگ یعنی وحدت در احساس

است. ملت (ناسیون) به هیچ وجه يك گروه نژادی، خونی، جغرافیایی یا تجمع اجباری نیست بلکه ملت از افرادی تشکیل شده که زبان مشترک، مذهب مشترک، اخلاق مشترک و... داشته باشند یعنی از يك تربیت بهره مند شده باشند... هر جا يك فرهنگ غالب باشد آنجا يك ملت است... هدف ناسیونالیسم ترك این است که در این اجتماع بزرگ کشورها فقط يك فرهنگ غالب باشد. ۶۱ ضیاء گوک آلپ بعنوان نظریه پرداز پان تور کیسم بطور مفصل از اخلاق صحبت می کند و می نویسد: «هر ملت بزرگ در يك زمینه معین از تمدن مقام اول را یافته است، یونان قدیم در ورزش، رومی ها در قانون، اسرائیلی ها و اعراب در دین، فرانسوی ها در ادبیات، آنگلساکسون ها در اقتصاد، آلمان ها در موزیک و متافیزیک و ترك ها در اخلاق مقام اول را به دست آورده اند.» ۶۲ این سخنان و تجلیل ضیاء گوک آلپ از آتیلا و چنگیز، نظرش درباره فرهنگ غالب (ترك) و تخیلات شاعرانه اش درباره سرزمین پدری توران... نشان می دهد که میان اصول آراء وی و نظریات پان تور کیسم هایی که بر خویشاوندی نژادی و خونی تکیه می کنند فاصله زیادی وجود ندارد و در آخرین تحلیل - گرچه با شیوه های مختلف - همه خواستار سلطه اند و به يك نتیجه می رسند. کوشش برای خالص کردن زبان ترکی با بیرون راندن تمام لغات و ریشه های عربی و فارسی از آن، همراه با تلاش برای جانشین کردن آنها با لغاتی دارای ریشه قدیم ترکی و صرف جدید ۶۳ از جلوه های بارز پان تور کیسم و کوششی برای تحریف واقعیت جامعه ترك، جدا کردن اقوام ترك از اقوام خویشاوند در جامعه بزرگ شرق و القای بیگانگی و شکاف میان آنها به شمار می رود. در چنین کوششی که فقط به خالص کردن زبان محدود نمی شود، این حقیقت مورد توجه قرار نمی گیرد که فرهنگ اقوام شرقی به معنای وسیع آن در طول هزاران سال چنان به هم عجین و آمیخته شده که تلاش برای تجزیه آن نفی خود است. پان تور کیسم ها: «... يك زبان جدید، ادبیات جدید و يك فرهنگ جدید را وعده دادند. قول داده شد که زبان از کلمات عاریتی از فارسی و عربی پاك و جبهه مبارزه با ادبیات قدیم

از آنچه گذشت می توان دید که پان تور کیسم در طول زمان همیشه دارای محتوای معینی نبوده و پاره ای از پان تور کیسم ها بر وحدت فرهنگی (فرهنگ غالب) و گروهی دیگر بر خویشاوندی نژادی و خونی تکیه می کرده اند (و می کنند). ۶۵ درباره غیر علمی بودن فرضیه های نژادی تا حدی سخن گفته شده است. نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که هر کجا سخن از «فرهنگ غالب» در میان باشد ناگزیر سخن از «فرهنگ مغلوب» و «فرهنگ والا» و «فرهنگ نازل» نیز در میان خواهد بود. اما آن کس و آن گروه که فرهنگ قوم خود را «والا» بدانند و «غالب» بخواهد و به ترکیب آن با دیگر فرهنگ ها توجه نکند خود را در حقیقت و عمل در حد يك نژادپرست خجالتی قرار می دهد که با شیوه نظری تری در پی پان سازی است؛ اما دم خروس از جیب قبایش دیده می شود. این نکته نه فقط درباره پان تور کیسم بلکه درباره همه پان های دیگر نیز صادق است.



بررسیهای مفصل و دقیق نشان می دهد که: «پان تور کیسم و پان تورانیسم جنبشی سیاسی است» ۶۶؛ جنبشی که از نظر فرهنگی و سیاسی سخت تحت تأثیر فرهنگ استعماری و سیاست استعماری دول اروپایی قرار داشته است. این جنبش در مراحل آغازین از طرف افرادی مانند آرمینیوس وامبری که در پی یافتن متحدی برای انگلستان در مبارزه با نفوذ روسیه در آسیا بود تبلیغ می شد، اما پس از افزایش روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی آلمان با عثمانی پان تور کیسم مورد حمایت محافل آلمانی که در حال مبارزه با انگلستان و روسیه (اسلاوها) بودند قرار گرفت و سخن از برادری جنگی چند هزار ساله میان ترك ها و آلمان ها و دشمنی مشترک آنان با اسلاوها به میان آمد. ۶۷ پان تور کیسم و پان تورانیسم نیز مانند جنبش های سیاسی پان ایرانیسم، پان عربیسم و پان های دیگر (پان ژرمانیسم، پان اسلاویسم و...) ابزاری سیاسی برای وصول به هدف های سیاسی معین اند. بر حسب نیاز استعمار سرمایه داری و طبقات

○ خویشاوندی تاریخی

هون ها، ترکها و مغولها همچون يك حقیقت تاریخی از سوی اروپاییان به روشنفکران ترك عرضه گردید و بعنوان مبنایی نظری و تاریخی در تألیفات و نظریات سلیمان پاشا، ضیاء گوک آلپ و دیگر نظریه پردازان پان تور کیسم به کار گرفته شد.

با ترك‌ها علیه نژاد اسلاو سخن می‌گوید و خواستار وحدت اقوام با آلمان است.

13. Ziagokalp, p. 19.

۱۴. ن.ك: لغت نامه دهخدا، جلد ۱۵-ترك-تی، تهران ۱۳۴۳، ص ۱۱۰۳.

- رضا، عنایت‌الله، آذربایجان و اران، آلبانی‌های قفقاز، تهران ۱۳۶۰، صص ۸۱-۶۳.

- شهیدی مازندرانی (بیژن)، مرزهای ایران و توران بر بنیاد شاهنامه، تهران ۱۳۷۶ (بخش یکم تورانیان).

- سجادی، محمدعلی، پژوهشی در تبار مشترک ایرانیان و تورانیان، تهران ۱۳۶۸.

۱۵. بیات، نادر، تورانیان، تهران ۱۳۶۷، صص ۴۷-۴۵.

16. Jäschke, Gottfried: S.1.

17. Zarevand: **United and Independent**. Turana, London 1971, p. 2.

(V. N. Dadriyan, Leiden, 1971)

ترجمه شده از زبان ارمنی.

18. Czaplicka, M.A.: **The Turks of Central Asia in History and at the Present Day**. Oxford 1918, p. 19.

۱۹. بیات، نادر... ص ۴۷.

۲۰. لغت نامه دهخدا... ص ۱۱۰۳.

۲۱. همانجاون-ك کریمان، حسین، پژوهشی در شاهنامه، تهران ۱۳۵۷.

۲۲. رضا، عنایت‌الله، آذربایجان... صص ۸۱-۶۳.

23. Zarevand, p.2.

۲۴. رضی، هاشم، فرهنگ نامهای اوستا، تهران ۱۳۴۶، صص ۳۵۵-۳۵۶.

۲۵. بیات، نادر... صص ۵۱ و ۲۹.

26. Czaplicka: p. 19.

۲۷. بیات، نادر... ص ۳۷.

28. Czaplicka: p. 108.

29. Vámbéry, Hermann: Das Türkenvolk in seinen ethnologischen und ethnographischen Beziehungen. Leipzig 1885, S. 2,3.

۳۰. همانجا.

31. Czaplicka: p. 15.

32. Liu Mau Tsai Die Chinesischen nachrichten zur Geschichte der Ost

- Turken (TU - KUE) erste buch Wisbaden, S.5 und 6

- Zweite buch... S. 488.

- Clausen, Sir Grard, "Turks and Wolves" in **Studia Orientalia** (1964), pp.1-22.

ون-ك

Henderson, Alexander: "The Pan - Turanian Myth In Turkey Today". In: **The Asiatic Review**, XLI (145). Jan 1945, p. 90.

33. Czaplicka: p. 14

حاکم محلی، فرضیه‌های «پان» زمانی چه با تحلیل نژادی و چه با استدلال‌های زبان‌شناسی در این یا آن کشور مطرح یا به بوته فراموشی سپرده می‌شوند. نکته اصلی این است که ناسیونالیسم‌های نژادی (پان‌سازی) در همه اشکال آن بخشی از فرهنگ استعماری است و ارزش علمی و پایگاه تاریخی ندارد. استعمار سرمایه‌داری آگاهانه و با قصد میان اقوام و گروه‌های انسانی اختلاف می‌اندازد تا حکومت کند و تاکنون توانسته در شرق، اقوام خویشاوند در جامعه بزرگ شرق را از یکدیگر جدا کند و به جان هم بیندازد و موفق هم بوده است. در این باره به سخن ادامه خواهیم داد.

منابع:

- Hartmann, Richard: Ziagökalp. Grundlagen des Türkischen Nationalismus In: Orientalische Literaturzeitung XXVII, 1925, S.590.
- Jäschke, Gottfried: Der Turanismus der Jungtürken. In: Die Welt des Islam. Bd. 23 (1941) H/1, 2, S.5.
- همانجا، زیر نویس ص ۵.
- Hartmann, Richard: S. 579.
- Ziagökalp: **The Principles of Turkism**, 1968. Leiden, p. 9. (چاپ اول، آنکارا-۱۹۲۰)
- Ziagokalp, p.9.
- Ziagokalp, p. 5.
- Jäschke, Gottfried: S.1.
- Landau, **Pan Turkism in Turkey**, London, 1981, p.5.
- Adler, Lory and Dalpy, Richard: **The Dervish of Windsor Castel; The Life of Arminuis Vambrey**. London 1979.
- نیزن-ك: محمود محمود، تاریخ روابط سیاسی انگلیس و ایران در قرن نوزدهم، جلد سوم تهران ۱۳۳۵ صص ۶۵۸-۶۶۸.
- Arminius Vambrey: **Sketches of Central Asia**. London 1868 (Rep 1970, Arno Press, USA) p. 28.
- Jäschke, Gottfried: S.1.
- Tekinalp / Mois Cohen: Turkismus und Panturkismus. Weimar 1915, S. 15.
- نام واقعی این نویسنده که در جهت سیاست آلمان، پان‌تورکیسم را تبلیغ می‌کرد مویس کوهن است نه تکین آلپ. در این کتاب که مطالب آن بیشتر تبلیغ سیاسی است تا بررسی تاریخی، مویس کوهن از همکاری نژادزمن

○ از نظر سیاسی، آرمینیوس (هرمان) وامبری زبان‌شناس، استاد دانشگاه بوداپست و جاسوس برجسته انگلستان را می‌توان پایه‌گذار پان‌تورکیسم دانست.

○ وامبری که می کوشید
در رقابت استعماری روسیه
و انگلستان در آسیا دشمن
نیرومندی در برابر روسیه
به وجود آورد، سخت
پان تور کیسم را تبلیغ
می کرد.

Vámbery, A.: *Sketche of*p. 284.

47. Vámbery, A.: *Das Türkenvolk*. S. 3, 11, 64.

48. *Tekinalp*: S. 16.

49. Kushner, S. 9.

۵۰. گنجی، اکبر، «ناسیونالیسم ترک»، نامه فرهنگ، سال اول، شماره اول، پائیز ۱۳۶۹ ص ۸۷.

51. Kushner, S. 32.

۵۲. گنجی، اکبر... ص ۸۷.

۵۳. درباره هیتیتها (ختییان) ن-ك جامعه بزرگ شرق، تألیف نگارنده، تهران بهار ۱۳۷۰، صص ۲۳۳-۲۴۵.

54. Heinson, Gunnar: *Die Sumerer gab es nicht*. Frankfurt/M. 1988, S. 8.

۵۵. درباره سومرن-ك جامعه بزرگ شرق، صص ۱۵۱-۱۸۳.

۵۶. درباره آشورن-ك جامعه بزرگ شرق، صص ۲۶۱-۲۷۴.

57. Léon Cahon: *Introduction L'Histoire de L'asie*. Turcs et Mongols des Origines á 140 S. Paris 1896.

58. Kushner S. 10.

59. Hartmann, R.: *Ziagokalp*. S. 584.

- *Ziagokalp*, p. 9.

60. Jäschke, Gottfried: *Der Turanismus und die Kemalistiche Türkei*. In: *Beiträge zur Arabistik, Semitistik und Islamwissenschaft*. Leipzig 1944, S. 475.

61. Hartmann, R.: A. 588-589.

۶۲. درباره نظریات ضیاء گوک آلپ (ضیاء پاشا) به این دو منبع مراجعه شود:

- Hartmann, 607

- *Ziagokalp* 10

63. *Ziagokalp*, p. 6.

64. *Tekinalp*, S.6.

65. Rosenberger, Fran: *Turkismus und Turanismus*. In: *Volkstum im Südosten*. Wien Dez. 1942, S. 198.

- Landau, Jacob - M: **Pan - Turkism in Turkey**. London 1981, p. 3.

نقشه جغرافیایی توران روی جلد مجله **BOZKURT** (بوزگورت به معنای گرگ خاکستری) دیده می شود. این مجله در سالهای ۱۹۳۹-۱۹۴۲ منتشر می شد. در بالای جلد مجله این جمله به ترکی چاپ شده است: «تزداد ترکیالای همه تزادها»

66. Czaplicka, S. 9.

- Arnakis, G.G.: "Turkism: An Aspect of Turkish Nationalism". **Balkan Studies**, Salonica, 1, 1960, pp. 19-32.

67. *Tekinalp*... S. 46-47 Henderson, Alexander, S. 89.

-Rosenberg, Franz, *Turkismus und Turanismus in: Volkstum im Südosten* Dez. 1942 Wien, S.20.

۳۴. همانجا.

۳۵. رضا، عنایت الله، ایران و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران ۱۳۶۵، صص ۳۱-۳۴.

ن-ك:

Deguigne, Jos.: *Geschichte der Hunnen und Türken, der Mongols und andere occidentalen Tataren vor und nach Christi Geburt bis auf jetzige Zeiten*. Aus den chinesischen Büchern und orientalischen Handschriften der Königlichen Bibliothek in Paris verfaßt, übersetzt von Johann Carl Dähnert. Greifswald 1768. Zweiter Band, Siebtes Buch, S. 3u. 4.

36. Kushner, David: **The Rise of Turkish Nationalism 1876- 1908**. London 1977, p.9.

- Heyd, Uriel: **Foundations of Turkish Nationalism - The Life and Teaching of Ziagökalp**, 1950 (REP 1979 USA. Westport) p.32, 105.

37. *Tekinalp*: S. 7 und 81.

38. *Ziagökalp*, p. 2,3,4.

۳۹. همانجا، ص ۴۵.

40. De Guigne (1768) S. 3.

41. De Guigne: *Dritter Band (1769)*, Fünfzehntes Buch, S.4.

- Ahler, Kürsta, Elcin

Zur Fruhen Staatenbildung von Steppen Völkern - uber Soziound Psychogenese der Eurasische Nomaden - Reich. Ambeispiel der Hsiung - Nu und Goturken Mit Einen Exkurs uber Die Skythen - Berlin 1994.

42. Vámbery, H: *Türkenvölker*, S. 65.

- Altheim, Franz

Geschichte der Hunnen - Berlin 1969

- Gvbl, Robert, *Dokumene Zur Geschichte der Iranischen Hunnen in Baktrin und Indien* Wiesbaden 1967 Vorwort IX-X.

در این کتاب اظهار نظر شده که طبقه حاکم هونها ایرانی بوده اند.

43. Kushner, D: S. 9.

- Lumley, Davids, Arthur

A Grammer of the Turkish Language, London 1832 pp. i-ixviii

44. Landau... p. 2.

- Vambery, Arminius,

Travels in Centran Asia. London 1863, p.435.

45. Kushner, S. 9.

۴۶. همانجا ص ۱۰، ون-ك